

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

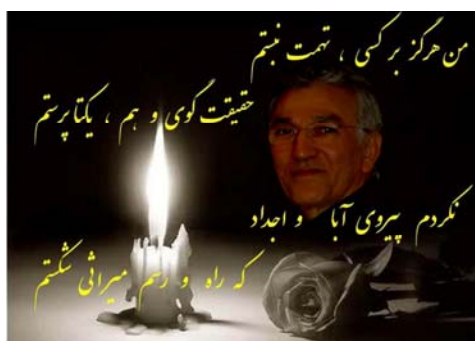
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۰ فبروری ۲۰۲۰



خواندن سروده نغز و دلپذیر بانوی فرهیخته نجیبه جان سمیع مَعْنُون به (آنینه دلها)، خاطراتی از بدیهه سرانی ها و مکالمه های منظوم، با شاعره فرهیخته و آزاده ...، مرحومه مغفوره (تمنا جان عزیز) را که تقریباً سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ داشتم، به یادم آورده طبع منجمد و افسرده ام را دوباره قدرت بیان و خامه شکسته و ناتوانم را جرأت جولان بخشید. که اینک از طبع حزین و غمین و قلم عاجز و ناتوانم بپذیره و استقبالش، نشیده ناجیزی بنام (بغل آرا) رقم و تقدیم است.

بَغْل آرا

آنکه در شعر تر و نغز تو، معناست منم
آنکه در شعر تو، معناست منم
آنکه خوش صورت و خوش سیرت و زیباست توئی
آنکه افسرده دل و واله و شیدا است منم
آنکه در عشق، همانند زلیخاست توئی
آنکه از چاه و ز زندان، به سر پاست منم
آنکه درخسن، بسی طعنه به لیلاست توئی
آنکه مجنون تر از قیس، به صحراست منم
آنکه در بزم طرب باده و میناست توئی
آنکه مخمور، ز پیمان و صهباست منم
آنکه در کام ادب شهد و مریاست توئی
آنکه در دست سخن نان و چو حلواست منم
آنکه در خواب من هر شب بغل آراست توئی
آنکه لب تشنه فتاده، لب دریاست منم
آنکه اشعار ترش ورد زبانه است توئی
آنکه تیغ اثرش، در دل مَلاست منم
آنکه با حسن، چلیپا به کلیاست توئی
آنکه از کعبه و بتخانه گریز است منم

آنکه در عالم فیسبوک مسیحا ست توئی آنکه شاگرد، چو پطرس و یوحنا ست منم
آنکه در پیروئ سید بطحا ست توئی آنکه تارک شده و پیرو ابها ست منم
آنکه بر شاعره زبده مسماست توئی آنکه با «نعمت» احساس، معما ست منم